

عنوان مقاله:

راهکارهای تحول و پیشرفت در مدرسه در دوران پسا کرونا

محل انتشار:

هفتمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و حقوق کودک در جهان اسلام (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

زهرا علیزاده بیانچولی - کارشناس علوم تربیتی دانشگاه پیام نور شوط

رقیه حیدری شوطلو - کارشناس آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوی

مهتاب محمدزاده اولنری - کارشناس آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوی

خدیجه محمدی زاده‌نرمند - کارشناس مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور ماکو

فاطمه تقی نژاد - کارشناس زیست شناسی دانشگاه پیام نور خوی

خلاصه مقاله:

امروزه بیشتر روانشناسان تربیتی، معتقدند که کارکنان مدرسه در سلامت روان دانش آموزان دارای نقش های حساس حرفه ای هستند. این مطلب مبتنی بر این فرض و احتمال است که جوامع هرگز به اندازه و تعداد کافی دارای متخصصان سلامت روان نخواهند شد، تا برای کمک به جمعیت روزافزونی که به خدمات تشخیصی و یا درمانی نیاز دارند، تکاپو کند. بنابراین باید تاکید و توجه را روی کوششهایی در جهت پیشگیری از عدم سلامت روان قرارداد، و افراد را برای مواجهه با مشکلات خویش و اقدام شایسته در آن موارد آموزش داد. بدیهی است با کمک مشورتی متخصصان، کارکنان مدرسه میتوانند پس از گذراندن دورههای آموزشی لازم، علاوه بر وظایف و مسئولیتهای خویش، در زمینه درمان مشکلات جزئی شخصیتی کودکان و نوجوانان تا حد زیادی نقش داشته باشند. شرایط مدرسه که منجر به عدم سلامت روان و یا ناسازگاری کودک می گردد، همبستگی نزدیکی با مقررات اجرایی و انضباطی در مدرسه دارد. کودکی که نتواند به رضایت کافی از مدرسه دست یابد، اغلب در همانندسازی با اولیاء مدرسه شکست می خورد، و با مشکلات انضباطی و تحصیلی مواجه خواهد شد. پاره ای از این گونه کودکان و نوجوانان ترک تحصیل می کنند. کودکان تیزهوش و حتی کم هوشگاه تکالیف مدرسه را بی معنی و بوج می یابند، عده ای دیگر خود را در رسیدن به موفقیت درسی عاجز و ناتوان می بینند، و بالاخره گروهی بی عدالتیو رفتار غیر منصفانه معلم را مسئول شکست خود می پندارند و به دنبال راه هایی جهت خالی کردن کینه و دشمنی خویش بر می آیند. مشکلاتی چون پرجمعیتی کلاسها، نبودن وسائل و امکانات لازم، اعم از کتاب و وسائل کلاس و زمین بازی و غیره، عدم سازماندهی فعالیت ها، نامناسب بودن کمی و کیفی تکالیف درسی، و بالاخره عدم شناخت معلم از دانش آموزان و یا عدم توانایی وی در تدریس و تفهیم مطالب درسی، عدم تجانس و همخوانی مواد برنامه درسی با نیازهای کودکان و نوجوانان، از جمله مواردی است که شرایط نامطلوب و نامناسب را در مدرسه فراهم می سازد و باعث بدرفتاری دانش آموزان می شود. تربیت نسبت پرورش روح و روان دانش آموزان بوده و صرفا تدریس کننده مواد و موضوعات درسی و آکادمیک نباشند. نتایج اینتحقیق نشان داد که معلمان بیشترین تاثیر در بهداشت روان دانش آموزان از طریق برقراری ارتباط مثبت و سازنده و روزمره دارند. توجه مربیان ووالدین به این پدیده روانی اجتماعی نه تنها زمینه مساعدی برای شکوفایی استعدادهای نهفته کودکان و نوجوانان را فراهم میآورد، بلکه در بهبود سلامت روانی آنها نیز موثر خواهد بود.

کلمات کلیدی:

آموزش سنتی، آموزش مجازی، معلم، دانش آموزان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1674777>

